فهرس الموضوعات

كلمة الناشر ٥

مقدمة آيت‌اللّه السيّد يداللّه يزدان‌پناه ٧

مقدمة المؤلّف ١٣

تكملة النهاية الحمكة فى النفس و ملحقاتها ١٥

الفصل الأوّل: في المزاج و المواليد الثلاثة ١٧

الفصل الثاني: في وجود النفس و حقيقتها و أقسامها ٢٣

الفصل الثالث: في قوى النفس النباتية و الحيوانية و الإنسانية ٣١

الفصل الرابع: في أنّ النفس في وحدتها كلّ القوى ٤١

الفصل الخامس: في أنّ النفس الإنسانية جسمانية الحدوث روحانية البقاء ٤٧

الفصل السادس: في تجرّد النفس و أقسامه ٦١

الفصل السابع: في تحوّلاتها الجوهرية الاستكمالية و حياتها الأخروية بعد مفارقتها من البدن ٧٣

الفصل الثامن: في أنّ النفوس لاتتناسخ ٨٧

الفصل التاسع: في المعاد و ضرورته الوجودية للكلّ ٩٥

الفصل العاشر: في معاد الإنسان الروحاني و الجسماني ١٠١
الفصل الحادي عشر: في تتمّة مباحث المعاد..... ١١١
الفصل الثاني عشر: في النبوّة و الولاية و هداية الخلق إلى مصالحهم الدنيوية و الأخروية..... ١٢٥
الفهارس..... ١٢٩
فهرس المصادر و المراجع ١٣١
فهرس الآيات..... ١٣٥
فهرس الروايات ١٤١
فهرس الأسماء ١٤٣
فهرس الكتب..... ١٤٥
فهرس الموضوعات..... ١٤٩
سخن ناشر ١٥١
مقدّمه آيت‌اللّه استاد سيّد يداللّه يزدان‌پناه ١٥٣
چكيده ١٦١
Abstract 164

سخن ناشر

از دیرباز فرهنگ اسلامی در پرتو هدایت‌های قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام مهد حکمت و دانش‌های ریشه‌دار بوده و فرهنگ مکتوب جامعه اسلامی نیز بازتاب‌دهنده بخشی از آن‌ها بوده است.

در عصر کنونی با وقوع انقلاب اسلامی و پرچم‌داری برپایی مجدّد تمدن بزرگ اسلامی و تقابل همه‌جانبه با تمدن غرب، پرداختن به حکمت و دانش‌های حکمی ضرورتی روزافزون یافته است. انقلاب شکوهمند اسلامی همان‌گونه که در آغاز بر پایه‌های حکمت و فقه اسلامی و بر دوش حکیم و فقیهی ژرف‌اندیش استوار بوده است، در ادامه و تداوم راه نیز، خود را از تکیه بر بنیان‌های حکمی بی‌نیاز نمی‌داند.

از این رو انتشارات آل احمد علیهم‌السلام بر خود لازم می‌بیند با تمام توان در عرصه نشر آثار حکمی ورود نموده و قدمی هرچند کوتاه در این مسیر بلند بردارد و در این راستا بر آن شد تا برخی از آثار و نگاشته‌های حوزه علوم عقلی را در فهرست و اولویت نشر خود قرار دهد و اثر پیش‌رو اولین گام مبارک در این مسیر است.

انتشارات آل احمـد علیهم‌السلام بر خود لازم می‌داند از استاد گرانقدر حجةالاسلام والمسلمین علی امینی‌نژاد که این کتاب محصول بیان و بنان ایشان است و نیز از حکیم فرزانه، آیت‌اللّه استاد سیّد یداللّه یزدان‌پناه که زحمت نگارش مقدّمه بر این اثر را متقبّل شدند، تشکر و قدردانی نماید. همچنین از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات که در آماده‌سازی این اثر برای نشر زحمات فراوانی متحمّل شدند، خصوصاً معاون محترم پژوهش، حجةالاسلام والمسلمین مهدی صداقت، کمال تشکر را داشته و امیدوار است مسیر این همکاری در آینده امتداد یابد تا شاهد نشر آثاری درخور در عرصه حکمت اسلامی باشیم ان‌شاءاللّه تعالی.

علی رستمی
مدیر انتشارات آل احمـد علیهم‌السلام

مقدّمه آیت‌الله استاد سیّد یدالله یزدان‌پناه

بسم اللّه الرحمن الرحیم

فیلسوف در پی تأمّلاتش در باب موجودات طبیعی مادی و انواع آن، افزون بر طبیعت لَخت و انواع مربوط به آن، به موجوداتی برمی‌خورد که فراتر از طبیعت لَخت بوده و در عین حال وابسته به طبیعت مادی‌اند. به بیان دیگر، نحوه وجودشان، نحوه وجود طبیعت لَخت که قوانین خاصی بر او حاکم است، نبوده و از سویی به طور کلّی رها و مجرّد از ماده هم نیستند بلکه از دلِ ماده روئیده و در حدّ طبیعت لَخت توقف نکرده‌اند. به وضوح می‌توان یافت آثاری از آن‌ها سرمی‌زند که طبیعت لَخت از چنین آثاری برخوردار نیست. این دسته از انواع مادی را می‌توان «موجودات زنده» نام نهاد.

این دسته جدید، فیلسوف را وامی‌دارد که در پی صورت و کمالی بگردد که چنین دسته فراتر از طبیعتِ لخت را پدید آورده است. کاوش‌های فلسفی در این زمینه، فیلسوف را به سمت حقیقتی به نام «نفس» راهنمایی می‌نماید. نفس، صورت و کمالی است که طبیعت مادی را به انواع موجودات زنده مادی همچون نباتات، حیوانات و انسان ارتقاء می‌دهد و طبیعتاً انواع موجودات زنده

مادی، ترکیبی از نفس و طبیعت مادی خواهند بود. از این طبیعت مادی در برابر نفس، به «بدن» یاد می‌کنند.

چنین تأمّلات فلسفی، خود منجر به پرسش‌های دیگر برای فیلسوف می‌شود که عبارتند از:

۱. اساساً آیا نفس مادی است یا مجرّد؟ اگر مجرّد است، امری که هیچ ارتباطی با ماده ندارد چگونه توانسته با ماده ارتباط برقرار کند؟ و اگر مادی است چگونه فراتر از بخش طبیعی یعنی بدن است؟

۲. رابطه نفس و بدن چگونه است؟

۳. فرق بدن با طبیعت لَخت چیست؟ نفس به عنوان کمال و صورت چه ویژگی‌هایی به بدن داده است که از طبیعت لَخت ممتاز می‌گردد؟

٤. نفس چه توانایی‌هایی دارد که آن‌ها را گاه در بدن نمود داده است؟ آیا این توانایی‌های مختلف می‌تواند زمینه‌ساز بحث قوا شود؟

٥. انواع و اقسام نفس کدامند و هریک چه ویژگی‌هایی دارند و قوای مخصوص هر یک چیست؟

٦. کیفیّت پدیدآمدن نفس در دلِ بدن چگونه است؟

۷. مرگ موجودات زنده را چگونه باید تحلیل کرد؟ نفس و بدن هنگام مرگ چه خواهند شد؟ در صورت بقاء نفس، مراحل پس از مرگ چه خواهد بود؟

۸. کمالات مربوط به نوع انسان و نفس انسانی چه اموری است؟ ارتباط نبوّت و امامت با این کمالات چگونه است؟

مسائلی از این دست علم‌النفس فلسفی را چنان فربه نموده است که امروزه ما با علمی به غایت گسترده و عمیق روبه‌روییم.

فیلسوفان مسلمان، علم‌النفس فلسفی را به دلیل ظرفیت‌های والای آن، دالان ورود به شناخت عمیق انسان و سعادت مخصوص او و نیز مسائل معاد

و نبوّت و امامت دانسته‌اند و از این طریق به عمق و ظرافتِ مباحث شریعت در این زمینه‌ها راه یافته‌اند. از سوئی چنین علم‌النفسی را پایه و اساس ورود به حکمت عملی و شعب آن یافته‌اند؛ حکمت عملی، به حقیقت، دانشی پرظرفیت برای کنشِ درست انسانی در سطح فردی و اجتماعی است و از این رو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه علوم انسانی نیز می‌بایست پایه‌ها و اساس خود را در علم اکتشافی و حقیقی مربوط به انسان جستجو کنند تا اساسی به غایت درست و عمیق پیدا نمایند. چنین علمی به درستی علم‌النفس فلسفی خواهد بود.

همه این امور یاد شده، از اهمیت کاوش و پژوهش فلسفی در باب نفس خبر می‌دهد و نیازمند برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی درخور و شایسته است. از این رو می‌بایست در دوره‌های آموزشی به شکل مناسب جای داده شود. امروزه به حسب نیازهای فراوانی که پدید آمده است، فقدان چنین امری در کتاب‌های گران‌قدر بدایه و نهایه که برای خود دلایلی داشت، می‌تواند مایه نقص و کاستی و گاه رکود و گم‌گشتگی گردد. این امر می‌بایست به نحو درستی چاره شود. یکی از چاره‌ها کاری است که استاد ارجمند علی امینی‌نژاد حفظه‌الله در این تکمله نهایةالحکمة انجام داده‌اند که در آن نه اطناب مملّ و نه ایجاز مخلّ مشاهده نمی‌شود و به وزان سطح نهایةالحکمة، تلاش کرده‌اند بیان فیلسوفان به ویژه صدرالمتألهین را در باب نفس به نگارش درآورند و مصادر این بیانات را هم به چشم آورده‌اند؛ امیدوارم برای طالبان فلسفه مؤثّر واقع شود.

در ادامه یادآوری چند نکته خالی از لطف نخواهد بود که در ذیل خواهد آمد:

۱- علم‌النفس فلسفی، نیازمند به مقدّمات فلسفی و طبیعی پیش از خود است. مباحث هستی‌شناسی عام همچون اصالت وجود و تشکیک وجود در فلسفه صدرا پایه دسته‌بندی موجودات به «انحاء وجود» است و بررسی نفس

به عنوان نحوه وجود خاص، بعد از چنین پایه‌هایی معنادار می‌شود؛ اثبات اصل ماده و عالم مادی و جسم، پایه دیگر برای آن است؛ مساله صورت و ماده و انواع مادی و همین‌طور حرکت جوهری از دیگر پایه‌های آن به شمار می‌آید. به هر روی برای حل مباحث نفس نیازمند به این دسته مباحث فلسفی پیش از آن هستیم و طالب علم می‌بایست پیشتر این مباحث را حل و هضم کرده باشد.

همان‌گونه که بیان شد علم‌النفس به بدن و عالم ماده گره می‌خورد، باید مباحث طبیعی مربوط به آن را هم به درستی در علم‌النفس به کار برد؛ در طبیعیات قدیم مباحثی همچون عناصر چهارگانه و مزاج و مولّدات ثلاث و روح بخاری و مواضع قوا در مغز و تشریح چشم و گوش و حس لامسه و مانند آن و مطالب مربوط به طبّ سنتی مطرح بود و در لابه‌لای کتب و آثار مربوط به علم‌النفس فلسفی این امور به چشم می‌خورد؛ طالب فلسفه می‌بایست از این امور مطلع باشد تا فهم درستی از مسائل پیدا نماید.

از سوئی امروزه با مباحث جدیدی که در علوم تجربی مربوط به نفس آمده است؛ همچون مباحث فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و آناتومی(علم تشریح) و علم پزشکی، نیازمند به هضم این مباحث در علم‌النفس فلسفی و تحلیل فلسفی آن‌ها هستیم؛ هر چند این امر جهاد علمی گسترده‌ای را در باب فلسفه علم تجربی و نیز تحلیل و نقد فلسفی از آموزه‌های علوم فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی و پزشکی می‌طلبد و آن‌گاه می‌بایست پایه در علم‌النفس فلسفی قرار گیرند؛ و از سوئی باید نسبت این امور با مقدّماتِ طبیعی موجود در کتب فلسفی مشخص شود و سخن حق در کتب و آثار آینده جاری گردد.

۲- فلسفه ذهن در غرب، به وزان علم‌النفس فلسفی است و در آن با مشکلات و مسائلی دست و پنجه نرم می‌کنند. برخی از این مسائل هرچند با سنت و فهم فلسفی ما فاصله داشته باشد، می‌تواند پرسشی برای فیلسوفان سنت

ما به شمار آید و می‌بایست این امور را در فلسفه خود هضم نمود و ناظر به آن‌ها سخن گفت و طالب علم را برای حضور در صحنه جهانی فلسفی هم آماده نمود.

۳- امتدادهای مباحث فلسفی نفس در علوم انسانی و حکمت عملی را هم باید بیش از پیش مورد همّت و محل کاوش‌های خود قرار داد، که امروزه بسیار بدان نیازمندیم. لازمه چنین توجّهی آن است که آثار فلسفی معطوف به آن‌ها، مبادی مربوطه را دریابند و امتداد دهند. گمان نشود آن‌چه به امتداد مربوط می‌شود، در حد همان مبادی فلسفی‌ای است که در علم‌النفس به آن‌ها پرداخته‌ایم، بلکه باید اقدام به برطرف‌کردن خلل و فرج میانه نمود و در کنار آن‌ها می‌بایست پرسش‌های عمیق‌تر و نویی را در سطح علم‌النفس پدید آورد و بدان پاسخ داد. این امر، نیازمند تلاش‌ها و کاوش‌های مضاعف و طاقت‌فرساست.

٤- آثار جدیدِ فلسفی، معطوف به سخنان نهایی فیلسوفان به ویژه ملاصدرا در بحث نفس و امتدادهای آن با نظم و نسق جدید، در عینِ ناظربودن به فلسفه ذهن و علوم طبیعی روز، از نیازهای مبرمی است که بعد از یکی دو دوره فراگرفتن علم‌النفس مرسوم، باید به عنوان ماده آموزشی نهایی قرار گیرد تا حرکت فزاینده بعدی را ان‌شاءاللّه رقم زند.

در پایان توفیق بیش از پیش استاد امینی‌نژاد حفظه‌الله را که از اساتید فاضل و گران‌قدر حوزه علمیّه قم می‌باشند، از خداوند متعال خواستارم.

سیّد یداللّه یزدان‌پناه
۵ ذوالحجة ١٤٤٠هـ.ق
برابر با ١٦ مرداد ١٣٩٨ هـ.ش

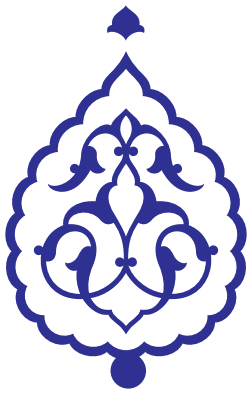

تكملة نهاية الحكمة

في النَّفْسِ وَمُلْحَقَاتِهَا

چکیده

"علم‌النفس" بخش پراهمیت و اثرگذاری از اندیشه‌های فلسفی فیلسوفان در طول تاریخ بوده است به گونه‌ای که شاید هیچ اندیشه فلسفی‌ای از تبیین حقیقت و جایگاه انسان در کلّ نظام هستی غفلت نکرده است.

"علم‌النفس فلسفی" از سویی سرریز اندیشه‌های مختلف طبیعیّات، وجودشناسی و الهیات در مطالعه فلسفی انسان است و از سویی مقدّمه بسیار مهمی برای حکمت عملی و علوم انسانی همانند اخلاق، تربیت، علوم اجتماعی و سیاسی است. این جایگاه ممتاز موجب شد تا فیلسوفان بخش وسیعی از تحقیقات حکمی خود را در این حوزه مصروف دارند.

در جهان اسلام پرحجم‌ترین تحقیقات در این زمینه از سوی ابن‌سینا صورت پذیرفته است. پژوهش‌های نفس‌شناسی وی عمدتاً در دو کتاب "شفاء" و "اشارات" محور همه تحقیقات پس از او قرار گرفته است. اگر تلاش‌های شیخ‌الرئیس در زمینه نفس‌شناسی را موج اوّل مطالعات فلسفی اسلامی در این زمینه برشماریم، قطعاً موج دوم این دست تحقیقات از سوی صدرالمتألهین شیرازی انجام شده است. دست‌یابی ملاصدرا به مبانی هستی‌شناسی جدیدی همچون "اصالت وجود"، "تشکیك در وجود" و به ویژه "حرکت جوهری"، بی‌اندازه ظرفیّت فلسفی وی در تحلیل و تبیین حقیقت انسان و جایگاه او در

کلّ نظام هستی را افزایش داده است تا جایی که بخش بزرگی از کتاب "اسفار اربعه" به طرح مباحث نفس اختصاص یافته است. علاوه بر آن‌که وی مسائل نفس را از طبیعیّات فلسفه (آن‌چنان که در "شفاء" بوده است) و از واسطه میان طبیعیات و الهیات (آن‌چنان که در "اشارات" مطرح شده) خارج کرد و در متن مباحث الهیات فلسفی و ذیل فعل‌الهی قرار داد به گونه‌ای که همه مباحث معاد را از نتایج نفس‌شناسی انسان به شمار آورد و بدین ترتیب جهش مهمی در معادپژوهی فلسفی پدید آورد.

با این همه علّامه طباطبائی‌قدس‌سره به دلائلی در دو کتاب درسی "بدایةالحکمة" و "نهایةالحکمة" جز در موارد پراکنده، مسائل فلسفی نفس و معاد را مطرح نکرده است.

کتاب حاضر کوشیده است با محور قراردادن دیدگاه‌های صدرالمتألهین‌رحمه‌الله و پیروان او، این مسائل را در دوازده فصل تنظیم و عرضه کند تا تکمله‌ای باشد بر کتاب نهایةالحکمة علّامه طباطبائی‌قدس‌سره.

انتشارات آل احمد علیهم‌السلام
دفتر و فروشگاه مرکزی: قم - بلوار عطاران - کوچه ۸ - فرعی ۲ - پلاک ۱۰/۱
تلفن: ۳۲۹۰۵۲۳۰ ۹۸۲۵+ تلفن همراه: ۴۰۶۹۰۱۵ ۹۸۹۱۲ +
@al_ahmad.ir info@al-ahmad.ir www.Al-Ahmad.ir

surely the second wave of this kind of research has been carried out by Mulla Sadra Shirazi. His new philosophical foundations – such as the ontological primacy of existence (asalat al-wujud), the modulation and gradation of Being (tashkik al-wujud), and especially the substantial motion (al-haraka al-jawhariyya) – have greatly increased his philosophical capacity to analyze and explain human nature and its position in the whole system of Being, to the extent that a large part of his book, *al-Asfar*, is devoted to discussions about the soul. In addition, he excluded the issues of the soul from naturalities (Tabi'iyyat) – as it was in *al-Shifa* – and from the intermediary between naturalities and Theology – as it was in *al-Isharat* – and put it in the context of philosophical theology and under the divine act, In such a way that he considered all eschatology to be the result of human psychology and thereby created an important leap in philosophical eschatology. However, Allameh Tabataba'i has not, for some reason, addressed the philosophical issues of the soul and the resurrection in the two textbooks, *Bedayat al-Hikmah* (the beginning of philosophy) and *Nehayat al-Hikmah* (the end of philosophy), except in the scattered cases.

The present book has attempted to frame and present these issues in twelve chapters, focusing on the views of Mulla Sadra and his followers to be a complementary to *Nehayat al-Hikmah* god willing.

Ale Ahmad Publication
Office & Central Shop: No.10/1 – Side Alley 2 – Alley 8 – Attaran Boulevard – Qom
Phone: +9825 32905230 Mobile: +98912 4069015
www.Al-Ahmad.ir info@al-ahmad.ir @al_ahmad.ir

Abstract

throughout history, psychology (elm al-nafs) has been an important and influential part of philosophical thought, so that perhaps no philosophical thought has neglected to explain the nature and position of man in the whole system of Being. Philosophical psychology is, on the one hand, the result of naturalities (Tabiʿiyyat), ontology and theology, and on the other hand, it is an important introduction to practical wisdom and the humanities such as ethics, education, social sciences and politics. This privileged position has led philosophers to devote a great deal of their research to the field. The most extensive research in this field has been carried out by Ibn Sina in the Islamic world. His research, mainly in the two books of *al-shifa* (Healing) and *al-Isharat wa-l-tanbihat* (Remarks and Admonitions), has been the focus of all subsequent research.

If ibn Sinaʾs efforts in the field of philosophical psychology are considered the first wave of Islamic philosophical studies in this field,

انتشارات آل احمد